

هم می‌آمیزد و از شعر فارسی و عربی شاهد ذکر می‌کند. مذاق عرفانی او در جای جای کتاب آشکار است و ارادت و سر سپردگی به ائمه شیعه علیهم السلام از آنجا پیداست که مقاله سوم کتاب را به ائمه اختصاص داده است.

خصوصیات سبک محبوب القلوب به لحاظ قالب و محتوی آنچنانکه محققان کتاب در مقدمه آورده‌اند چنین است: استشهاد به احادیث و اخبار گرچه گاه بی‌تناسب به نظر آید چنانکه برای توضیح اقوال یونانیان اخباری از امام باقر و امام سجاد و امیر المومنین علی علیهم السلام آورده است (۵۱ - ۵۰) و نیز استشهاد به حکایات (۵۲) و شعر فارسی (۵۳) و شعر عربی (۵۵) و هم در آمیختن عبارات فارسی و عربی (۵۶) و نیز تاویل، چنانکه حکایتی از لقمان را تاویل نموده است (۵۷).

در این مجلد ترجمه آدم و شیث و ادریس (که به گفته مؤلف همان هرمس اول است) و دو هرمس دیگر و اسکلیپوس طیبیب و بقراط و جالینوس و لقمان و انوبادقلس و فیثاغورس و سقراط و افلاطون و ارسطو و اسکندر (که به گفته مؤلف اقوی این است که همان ذوالقرنین قرآن باشد) و اسکندر افرودیسی و ثاوفرسطوس و دیوجانس و شیخ یونانی (= فلوطین) و اومیرس (= هومر) و سولون و زندن (رواقی) و تالس ملطی و انکساغوراس و انکسیمانس و زرتشت و ذیمقراطیس و ابرقلس و فرفوروس و... تا برسد به یحیی نحوی که رابط دوران قبل از اسلام و بعد از اسلام شمرده می‌شود (ر.ک فهرست کتاب).

مؤلف دو حکایت در دو موضع از کتاب نقل کرده است که دو دیدگاه نسبت به فلسفه را در عالم اسلام نشان می‌دهد. یکی حکایت عمروعاص فاتح مصر که به دستور خلیفه دوم کتابخانه اسکندریه را آتش زد

□ اعمال القلب (ظاهراً همان الخطرات القلبیه)
□ تفسیر الشریف اللاهیجی (که به کوشش مرحوم محدث ارموی چاپ شده است).
□ ثمره الفؤاد در اسرار عبادات
□ خیر الرجال (در شناخت رجال اسانید من لایحضره الفقیه)

□ شرح الصحیفه السجادیه (ترجمه و شرح مختصر فارسی بر صحیفه سجادیه)

□ فانوس الخیال (یا الرسالة المثلیه) در بیان عالم مثال، برزخ.

وی در این کتاب کوشیده است معراج پیغمبر را نیز بر این اساس توجیه نماید و این همان کاری است که بعدها شیخ احمد احسانی بدان دست یازیده است و بدیهی است که مسأله خیال منفصل و مجرد خیال به نحو دیگری در حکمت متعالیه نیز مطرح است.

اما مهم‌ترین اثر اشکوری همین کتاب مورد بحث ما محبوب القلوب است با یک مقدمه و سه مقاله و یک خاتمه (که چاپ حاضر شامل مقاله اول از آدم علیه السلام) تا ظهور اسلام می‌شود).

اشکوری گوید حکمت برای نفس انسانی به چند طریق حاصل می‌شود یکی بدون تعلیم و تعلم بشری و با مأموریت از عالم بالا برای اصلاح اودع» و این نبوت است به معنی قرآنی رفتن از زمین (۲۸ - ۲۷) و دیگر حکمتی است که با درس و بحث به دست می‌آید و آن به تعبیر یونانیان فلسفه است یعنی دوستاری دانش (۲۸). جالب است که اشکوری کلمه «نبی» را از «تباء» به معنی خبر نگرفته بلکه از «نبؤ» به معنی رفعت گرفته است.

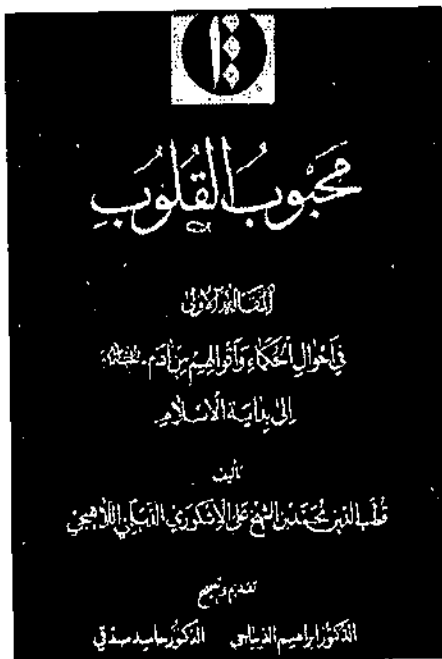
به هر حال با این تعریف اشکوری حکما و انبیاء و ائمه را با هم می‌آورد، همچنانکه عربی و فارسی را در

سیره نویسی حکما و ذکر احوال و اقوال و آثار آنان پیش از اسلام و پس از آن سابقه داشته و فن دلکشی بوده است. مرحوم استاد محمد تقی دانش پژوه در مقدمه مفصلی که بر ترجمه نزهة الارواح شهرزوری (ترجمه مقصود علی تبریزی) نگاشته فهرست تحلیلی نسبتاً کاملی از اینگونه آثار به دست داده است که مورد استفاده محققان کتاب مورد بحث ما نیز واقع شده و از آن جمله اینها را ذکر کرده‌اند:

فردوس الحکمة علی بن سهل طبری / تاریخ الاطباء والحکماء یحیی نحوی / تاریخ الاطباء و الحکماء اسحاق بن حنین / طبقات لاطباء و الحکماء ابن جلجل / فهرست ابن الندیم (یا: ندیم) / صوان الحکمة ابوسلیمان سجستانی / طبقات الامم قاضی صاعد اندلسی / الملل و النحل شهرستانی / تنمه صوان الحکمة بیهقی / اخبار الحکماء قفطی / عیون الانباء فی طبقات الاطباء ابن اسیب اصیبیه نزهة الارواح شهرزوری (ص ۲۲ - ۱۹ مقدمه کتاب)

قطب‌الدین (یا: بهاء‌الدین) اشکوری متولد حدود ۱۰۲۰ هـ. ق و متوفی بعد از ۱۰۸۸ هـ. ق) از علمای شیعی و حکیمان و عارفان عصر صفوی است که مدتی نیز شغل قضاوت و امامت جمعه و جماعت در لاهیجان داشته و آثاری به نثر فارسی و عربی (و گاه مختلط) و نیز اشعاری متوسط و زیر متوسط دارد. از جمله آثار اشکوری در مقدمه کتاب به این موارد اشاره شده است (تلخیص از صفحات ۴۵ - ۳۱ مقدمه کتاب):

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



محبوب القلوب (المقالة الاولى)

قطب‌الدین محمد بن شیخ علی الاشکوری الدیلمی اللاهیجی

تصحیح: دکتر ابراهیم الدیباجی / دکتر حامد صدیقی

نشر میراث مکتوب، چاپ اول: ۱۳۷۸

یعنی شش ماه سوخت حمامهای شهر از این کتابها تامین می شد (۲۸۵) و دیگر حکایت یحیی بطریق است که عامل فارس می خواست او را از جای خودش آواره سازد و او نامه به علی بن ابیطالب (ع) نوشت و حضرت به فرزند خود محمد بن حنفیه دستور داد که برای آن حکیم امان نامه بنویسد (۳۸۸) و بدینگونه عجب نیست که اکثریت حکمای اسلام متشیع اند یعنی یا اسماعیلی و یا زیدی و یا امامی هستند و متفکران فلسفی ماب سنی مذهب غالباً ضد فلسفه بوده اند (مانند محمد غزالی و فخر رازی) و بسیار جای تعجب است که بعضی محققان شایسته احترام نسبت کتابسوزی را از عمروعاص نفی کرده اند. از کسانی که به عترت توهین کردند چه عجب که به «کتاب» نیز تعرض کرده باشند و به بهانه «کفانا کتاب الله» مسلمانان را بی نیاز از موارث تمدن بشری پنداشته باشند حال آنکه همانان برای نوشتن حساب بیت المال نیز نیاز به ایرانیان متمدن داشتند و البته سیر تاریخ آن خشک اندیشی را محکوم کرد و روش علی بن ابیطالب (ع) در اعطای امنیت به حکیمان و عالمان اجرا شد همچنانکه پیغمبر نیز طلب علم را ولو در «چین» سفارش فرموده بود.

ذکر این نکات از این جهت بود که گرایش شیعیانه نویسنده محبوب القلوب را کاملاً متناسب با مشرب حکیمان و عارفانه او می یابیم و لذا محبوب القلوب کتابی است که در خوانندگانش نیز حکمت دوستی را القاء می نماید. و نمایش گرایش عرفانی و فلسفی و معنویت عالی در عصر صفوی است.

البته کتب قدیم را باید با انتقاد نگریست و محبوب القلوب که مطالبش تلفیقی از مآخذ گوناگون با مشربهای متفاوت است بیشتر باید مورد تأمل قرار گیرد و خوب بود که محققان محترم کتاب مقایسه ها یا

ارجاعاتی در این زمینه صورت می دادند. جوهر اعتقاد اشکوری در رابطه دین و فلسفه چنین است: «العقل شرع من داخل و الشرع عقل من خارج فهما متعاونان متعاضدان» (۱۰۲) از همین جهت که قرآن کافران را بی عقل نامیده و عقل و وحی را به رویهم «نور علی نور» خوانده است (همان صفحه).

به یک نکته مهم درباره مقدمه کتاب اشاره می شود و آن اینکه کتابی در ایران چاپ می شود و مؤلف آن ایرانی است و حتی در متن کتاب شعر و نثر فارسی را با عربی در آمیخته است چه خوب بود که مقدمه کتاب را نیز محققان به فارسی می نگاشتند همچنانکه در مورد بعضی متون عربی دیگر که میراث مکتوب چاپ کرده است همین کار صورت گرفته است.

و اگر فرض محققان کتاب بر این بوده است که خواننده محبوب القلوب فارسی نمی داند پس تکلیفش با عبارات و اشعار فارسی کتاب چه خواهد بود؟ و جالب تر اینکه عبارات عربی مقدمه گاهی سخت بوی فارسی، آن هم فارسی رسانه های جمعی را دارد یک نمونه نقل می کنم و داوری را به خوانندگان عربیدان و فارسی شناس و گذار می نمایم: «اهتم المؤلف بالاخلاق و التحکمة العمليه باعتبار البعد العام لها و باعتبار بعدها الصانع للانسان و المهتم بتربيته اكثر من الابعاد الاخرى» (ص ۴۷) که ملاحظه می شود کلمه «بعد» در همین معنی یومیه ما بکار رفته که عرب فصیح معاصر چنین نمی گوید.

در هر حال زحمات محققان کتاب و ناشر محترم ما جور و مشکور است. در انتظار انتشار بقیه کتاب که اهمیت بیشتری دارد هستیم.

تذکره الشعراء

تذکره الشعراء

مولانا محمد عبدالغنی خان غنی

باتصحیح و تواشیح محمد اسلم خان

ناشر سعود احمد دهلوی، ۱۹۹۹ م.

قلمرو ادبیات فارسی در سرزمین هند بسیار گسترده است. بیشتر آثار فارسی در زمینه فرهنگ نویسی و تاریخ و تذکره نویسی برای نخستین بار در این سرزمین تألیف شده و به نظر دکتر خانلری، نویسندگان فارسی زبان هند و پاکستان در این زمینه بر ادبیات ایرانی برتری یافته اند. از جمله تذکره های گرانمایی که در هند تألیف شد تذکره الشعراء غنی است که در سال ۱۳۲۸ هـ / ۱۹۱۰ م. به پایان رسید و در سال ۱۹۱۶ م / ۱۳۳۴ هـ به کوشش محمد مقتدی خان شیروانی به چاپ رسید.

درباره شرح حال مؤلف تنها منبع، مقدمه تذکره به زبان اردوست که توسط فرزند وی تهیه، و در ضمن آن، نام مؤلف مولانا محمد عبدالغنی و تخلص وی غنی معرفی شده است. وی در نوشتن این تذکره غیر از برخی کتاب های تاریخی از تذکره های دیگر نیز بهره برده است.

تذکره الشعراء غنی شامل نام ۱۰۴۱ شاعر متقدم و متأخر است که از آبروشاه مبارک گوالیاری شروع شده است و به میریوسن ابهری پایان می پذیرد. در عین حال استفاده از این تذکره بسیار آسان است. روشی که در این تذکره اتخاذ شده به شرح ذیل است:

۱. عناوین شامل: تخلص، اسم، سال وفات، وطن، ملک، عهد (نام پادشاه زمان شاعر)
۲. اسامی شاعران بر اساس حروف القبا مرتب شده است.
۳. برخی نقایص لفظی توسط مصحح برطرف شده است.

۴. با توجه به تفحص مصحح در سایر تذکره ها نام شعرائی که قبلاً در تذکره الشعراء موجود نبوده اضافه گردیده است.

۵. برای راهنمایی و کمک به دانش پژوهان در به دست آوردن اطلاعات بیشتر درباره هر شاعر به چهار کتاب زیر اشاره شده است: فرهنگ سخنوران خیامپور، تذکره منتخب اللطایف رحیم علی خان ایمان، منتخب الاشعار مردان علی خان میتلا و - "Dictionary of indo-Persian literature" دکتر بنی هادی، که هر یک با نشانه های اختصاری در کتاب مورد استفاده قرار گرفته است. کتاب تقریظ کواتهای به قلم پرفسور سیدامیرحسن عابدی استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دهلی دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

علیرضازکاوتی فراگزلو

درسیره نویسی حکما

در یک نگاه

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / بهمن ۱۳۷۸